

نکته‌هایی از معارف حسینی

دکتر محمد حسین مردانی نوکنده

آموزه‌هایی از قیام امام حسین علیه السلام

عاشورا، سراسر مدرسه عشق است. هراندازه انسان‌ها با درس‌های نهفته در آن حرکت خونین و ژرف که بشریت را با ارزش‌های متعالی و مفهوم حیات هدفدار آشنا ساخته، آشنا تر گردند به همان میزان عزتمند خواهند زیست و پایه‌های حکومت طاغوت‌ها را خواهند لرزاند. درس‌هایی که از عاشورا می‌توان گرفت، در گفتار و کردار امام حسین علیه السلام و یارانش دیده می‌شود و کسی که به دقت در مجموعه این واقعه بنگرد و آن را فراراه خود قرار دهد، با این درس‌های انسان‌ساز آشنا می‌شود. در ادامه برخی از این درس‌ها را برمی‌شماریم.

توکل

امام محمد باقر علیه السلام در سخنی فرمودند: «کسی که به خدا توکل کند، شکست نمی‌خورد» و قیام خونین عاشورا، سرشار از این آموزه نیک الهی است که فرجامی جز پیروی حق بر باطل را نوید نبخشید. امام حسین علیه السلام گرچه به استناد دعوت‌نامه‌های کوفیان به سمت آنان حرکت کرد، ولی توکل آن حضرت به خداوند متعال بود. به همین دلیل، وقتی میان راه، خبر بی‌وفایی مردم و شهادت مسلم بن عقیل علیه السلام را شنید، تصمیم خویش را تغییر نداد و برای انجام تکلیف، با توکل به خدا راه خود را ادامه داد. بر این

اساس امام علیه السلام صبح عاشورا و با شروع حمله همه جانبه و بی رحمانه دشمن، در نیایشی به درگاه خدا، اعتماد به پروردگارش را چنین بیان فرمود: «خداوندا! توتکیه گاه من در هر اندوه و امید من در هر سختی هستی. تو در هر پیشامدی تکیه گاه و مایه پشت گرمی منی».

رضا و تسلیم

از دیگر آموزه های کربلا، راضی بودن به رضای الهی است. هدف امام حسین علیه السلام فقط خشنودی خدا و پیامبر او بود. اگر در آن قیام خونین، جان عزیزش را نثار کرد، اگر سخت ترین مصیبت ها را به جان خرید و اگر خاندان گرمی اش را به دست اسارت سپرد، هدفی جز کسب رضای الهی نداشت. امام حسین علیه السلام هنگامی که قصد خروج از مکه به سمت عراق را داشتند، در خطبه ای به این ویژگی اشاره فرمودند: «ما اهل بیت به آنچه خدا راضی است، راضی و خشنودیم. در مقابل بلا و امتحان او، صبر و استقامت می ورزیم. او اجر صبرکنندگان را به ما عنایت خواهد فرمود».

عمل به تکلیف

از آموزه های ارزشمند کربلا، عمل به تکلیف است. هنگامی که دعوت نامه های پیاپی مردم کوفه به امام حسین علیه السلام رسید، ایشان هر چند از سست عهدی کوفیان آگاه بود، ولی آن اعلام حمایت ها را تکلیف آوردانست و به سوی آنان حرکت کرد. امام خمینی علیه السلام که خود قرن ها بعد با همین انگیزه، قیامی عزت آفرین را پایه ریخت، در سخنانی درباره این آموزه عاشورایی می فرماید: «اینکه حضرت ابی عبدالله علیه السلام قیام کرد با عدد کم، برای این که گفتند تکلیف من این است که نهی از منکر کنم»؛ در جای دیگری می فرماید: «حضرت سیدالشهداء علیه السلام تکلیف برای خودشان دانستند که بروند و کشته هم بشوند و محو کنند آثار معاویه و پسرش را»؛ همچنین در جای دیگری امام علیه السلام فرمود: «لکن تکلیف بود که قیام بکنند و خونس را بدهد تا این که ملت را اصلاح کند و علم یزید را بخواباند».

آزادگی

عاشورا، نماد آزادگی و حضرت سیدالشهداء علیه السلام سرور آزادگان است. هموکه در پاسخ کسانی که بیعت با یزید را از ایشان می خواستند تا در امان بماند، می فرمود: آگاه باشید! ناپاک زاده فرزند ناپاک زاده، مرا میان دو چیز مجبور کرده است: بین مرگ و ذلت، ولی هیئات که ما ذلت و خواری را بپذیریم. خداوند پذیرش ذلت را بر ما و بر پیامبر و مؤمنان روا نداشته است و دامن های پاک و دارای اصالت و شرف و خاندان دارای همت والا و عزت نفس ما هرگز اجازه نمی دهد اطاعت فرومایگان را بر مرگ شرافتمندانه ترجیح دهیم.

اخلاص

اخلاص سیدالشهداء علیه السلام و یاران آن حضرت، مهم ترین عامل جاودانگی قیام حسینی است. از زمانی که حضرت از مدینه حرکت کرد، تا مکه و سپس کربلا، بسیار کسانی مدعی با ایشان همراه شدند و به ظاهر خود را حسینی نشان دادند، ولی هیچ کدام بر حرف خود نایستادند و در نهایت، سرور شهیدان را تنها رها کردند. در روز عاشورا و صحنه نبرد کربلا نیز، تنها خون بود و شمشیر و زخم و درد و شهادت، و از مدال و پول و امتیازهای اجتماعی و مقام های دنیوی خبری نبود. از این رو، ماندگان و مقاومان، تنها با نیروی اخلاص به جهاد در راه حضرت دوست ادامه می دادند و یکی یکی شربت شهادت می نوشیدند.

ایثار

از بارزترین درس های عاشورای حسینی ایثار و مقدم داشتن دیگری بر خود است. در صحنه کربلا، نخستین ایثارگر، سیدالشهداء علیه السلام بود که حاضر شد خود و خاندانش را فدای دین خدا کند و رضای او را بر همه چیز برگزیند. حتی زمانی که یاران حضرت به شهادت رسیدند و نوبت به جان فشانی بنی هاشم رسید، امام حسین علیه السلام ابتدا فرزند دلبندها، علی اکبر علیه السلام را برای شهادت در راه خدا فراخواند. جلوه دیگر ایثار در کربلا، کار زیبای حضرت ابوالفضل علیه السلام بود. آن حضرت که با لب تشنه وارد فرات شد، چون خواست آب بنوشد، یاد لب های تشنه امام حسین علیه السلام و کودکان تشنه کامش افتاد و به خود نهیب زد که: آیا آب می نوشی، در حالی که برادر و مولایت حسین علیه السلام تشنه و در

آستانه شهادت است؟ پس آب را ننوشید و بازگشت و لب تشنه به شهادت رسید.

امر به معروف و نهی از منکر

از آموزه‌های ارزنده نهضت حسینی، توجه به دو فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر است. امام حسین علیه السلام در وصیت‌نامه‌ای که هنگام خروج از مدینه و در زمان وداع با برادرش محمد بن حنفیه برای وی نوشت، هدف از حرکت خویش را چنین برشمرد: من نه از روی سرمستی و گستاخی، و نه برای فساد و ستمگری حرکت کردم، بلکه تنها برای طلب اصلاح در امت جدم حرکت کردم. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدم و پدرم علی بن ابی طالب عمل نمایم.

حضرت سیدالشهداء علیه السلام در جای دیگری نیز فرموده بودند: «بارخدا! من به معروف اشتیاق و از منکر تنفر دارم». براین اساس، در زیارت‌های گوناگونی که درباره امام حسین علیه السلام از پیشوایان معصوم علیهم السلام وارد شده، این تعبیر دیده می‌شود: «گواهی می‌دهم تو نماز را به پا داشتی و زکات دادی و امر به معروف نمودی و نهی از منکر کردی».

نفی نژادپرستی

شهید، شهید است. چه تفاوت دارد که از چه نژاد و رنگ و زبانی باشد؛ سفید و سیاه، عرب و عجم، رومی یا زنگی. ملاک ارزش در اسلام، عقیده و ایمان است. شهادت‌تکه کربلا، بزمگاه عشق است و همه‌گونه شهیدی دارد؛ جوان، پیر، خردسال، شیرخوار، سیاه، سفید، عرب و عجم. آنجا، یگانگی است و از نابرابری نژادی اثری نیست. پیشوای شهیدان، حسین علیه السلام در صحنه نبرد، این آموزش دینی و انسانی را به کارگرفت و سپاس و ستایشی همسان به همه یارانش، از پیرمرد تا نوجوان و از رئیس قبیله تا غلام سیاه روا می‌داشت.

پای بندی به اصول انسانی و اخلاقی

نهضت عاشورا، مظهر ارزش‌گذاری به حقوق انسانی است. یاران امام حسین علیه السلام در بین راه کربلا، بال لشکریان حربن یزید ریاحی برخوردند که راه را بر آن حضرت و یارانش

بستند. برخی از یاران امام علیه السلام پیشنهاد مبارزه و نابودی آنها را دادند و دلیل آوردند که قدرت نبرد با ایشان را داریم. ولی امام علیه السلام مدارا کرد و یاران را به صبر دعوت فرمود. همچنین صبح عاشورا که شمر جلو آمد و به آن حضرت اهانت کرد، مسلم بن عوسجه، از یاران امام علیه السلام خواست با تیری او را از پای درآورد که حضرت مانع شد.

رنگ و بویی جاودانه

مؤمن باید از فرصت‌هایی که برایش پیش می‌آید بهترین و بیشترین استفاده را بکند. اگر می‌خواهد چیزی را در راه خدا ببخشد باید به آن رنگ و بوی جاودانگی دهد تا همیشه حتی پس از مرگ نیز از آن بهره‌گیرد. اساساً یکی از اهدافی که اسلام وقف را فرا روی مؤمنان قرار داده این است که بعد از مرگ نیز پرونده اعمال نیکش بسته نشود و از پاداش آن تا روز قیامت بهره‌مند شود. از این رومردگان حسرت می‌خورند و آرزو می‌کنند که ای کاش می‌توانستند لحظه‌ای به دنیا بازگردند تا این عمل صالح را انجام دهند.